

صبر بسیار بیاید...

علی اکبر احمدی دارانی*

الاعراض الطبیة والمباحث العلائیة / تألیف اسمعیل بن الحسن بن
محمد الحُسینی الجرجانی (سید اسماعیل جرجانی): تصحیح و
تحقیق دکتر حسن تاج بخش، انتشارات دانشگاه تهران،
فرهنگستان علوم، ۱۳۸۴.

چکیده

سید اسماعیل جرجانی (۴۳۴ - ۵۳۱ ه. ق) از بزرگترین پزشکان تاریخ تمدن اسلامی و احیاکننده طب ایرانی در قالب زبان فارسی است. وی صاحب کتاب‌های ارجمندی چون: ذخیره خوارزمشاهی، الاعراض الطبیة، حُفَى علائی و یادگار است. ذخیره خوارزمشاهی دایرة المعارف پزشکی و مهمترین کتاب طب فارسی است. جرجانی در پایان عمر، ذخیره را خلاصه کرده و با تصرّف در برخی باب‌ها و افزودن تجربه‌های چندین ساله خویش به آن، کتاب الاعراض الطبیة والمباحث العلائیة را نگاشته است. در الاعراض وازگانی فارسی یافت می‌شود که برای بررسی تغییرات آوایی زبان فارسی بسیار مهم است. جرجانی به تفاوت نام داروها در شهرهای مختلف اشاره کرده و گوناگونی گویش‌ها و لهجه‌ها را در اواسط قرن ششم به خوبی نشان داده است.

کلید واژه: سید اسماعیل جرجانی، الاعراض الطبیة و المباحث العلائیة، ذخیره خوارزمشاهی، واژه‌های فارسی، تغییرات آوایی زبان فارسی.

*. دانشجوی دکتری و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد - واحد شهرکرد.

پزشکی کهن ایران و جهان اسلام و تاریخ آن، گهری ناسفته و درّی نایافته است که دست بیداد زمان، نامهربانی توانمندان و ناسپاسی گروهی از فن‌داران و فرزندان و دلباختگی و خودفراموشی ایشان در برابر بیگانگان و نورسیدگان آن را به یکباره به دست فراموشی سپرده است. اما پزشکان دانشور و نامور ایران و جهان اسلام همچون علی بن ربیع طبری، محمد بن زکریای رازی، علی بن عباس مجوسی اهوازی، حسین بن عبدالله ابوعلی سینا، ابوالقاسم خلف بن عباس الزهراوی و سرانجام سید اسماعیل جرجانی، چهره‌های درخشان آسمان دانش و اختران جهان افروز و زداینده تاریکی‌های نادانی‌اند که نامشان جاوید است و یادشان هرگز از خاطره خدائندگان دانش و بینش و ژرف‌نگران، به فراموشی سپرده نخواهد شد.

آنچه آمد، سرآغازی است بر تصحیح جدید الاغراض الطبیة والمباحث العلائیة سید اسماعیل جرجانی که تازگی به همت دکتر حسن تاج بخش به چاپ رسیده است. تمام مظاهر تمدن بشر امروز به گونه‌ای در امتداد تجربه‌های پیشینیان قرار دارد و ما درست مانند حلقه‌ای هستیم که در زنجیره تاریخ تمدن بشری، گذشته را به آینده پیوند می‌زنیم. با تحولاتی که در چند سده اخیر در جوامع انسانی پدیدار شده و شتابی که در تمام جوانب زندگی نمودار گردیده است، چنین می‌نماید که از گذشته‌ها فاصله بسیار گرفته‌ایم؛ اما هنگامی که همانندی‌های امروز با گذشته را در میراث تاریخی، ادبی و فرهنگی می‌بینیم، خواهیم پذیرفت که هنوز عناصری ما را با گذشته پیوند می‌زند و مرتبط می‌دارد.

به محض آنکه از تاریخ پزشکی در تمدن اسلامی سخن به میان می‌آید، پیوند ناگسستنی آن با زبان فارسی در ذهن نقش می‌بندد. قدیم‌ترین نسخه‌های تاریخدان زبان فارسی الابنیه عن حقایق الادویه از ابومنصور موفق هروی (۴۴۷ ه. ق) و هدایة المتعلمین فی الطب از ابوبکر بخاری (۴۷۸) است. از همان آغاز، زبان فارسی در قالبی علمی، ظهور و بروز کرده و به موازات آن در زبان شعر و ادب در حال شکوفایی و بهروزی است.

اظهار نظر علامه دهخدا درباره کتاب ذخیره خوارزمشاهی که خلاصه‌ای از آن به نام الاغراض الطبیة شکل گرفته و مورد بحث ماست، خواندنی است:

... و هم از لحاظ ادبی شاهکاری بی نظیر در نثر فارسی است. اینکه بی نظیر می‌گوئیم از این است که در صناعت طب با بسیاری فصول و ابواب و گوناگونی مباحث که آن صنعت راست، در همه جا این نویسنده به فصاحت بلعمی و بیهقی

مقاصد خویش را ادا کرده است، در حالی که آن دو تنها در بیان وقایع تاریخی، هنر خویش نموده‌اند و آنان که به سفسطهٔ طفلانهٔ جمعی مُغرض فریفته شده و زبان فارسی مرکب کنونی را برای ادای مقاصد علمی کوتاه می‌شمارند، اگر روزی چند بدین کتاب ممارست ورزند، چون آفتاب نیمروز بینند که بلغ تر زبانی برای تعبیر مباحث علم، همین زبان مرکب است.^۱

الاعراض در حدود ۲۵۰/۰۰۰ کلمه است و ذخیره در حدود ۷۰۰/۰۰۰ کلمه؛ یعنی الاعراض ۳۴٪ ذخیره است. جرجانی به حد شگفت انگیزی جهانی از پزشکی را خلاصه و بیان کرده است. جرجانی درین دو کتاب، شیوهٔ مثبتی بر تجربیات مکرر رازی و پراکندگی کتاب او: الحاوی و بیان کلاسیک و منطقی و گاهی مشکل ابوعلی سینا و دیگر نویسندگان بزرگ عالم پزشکی را با معیار خردناب و تجربیات خویش به هم آمیخته و با روندی منطقی، نظری، علمی و از همه مهم‌تر روشن و نسبتاً آسان پزشکی را بر موازینی نمونه قرار داده و اصطلاحات آن را یکنواخت کرده است.^۲

و هر مصنفی که کتابی ساختست، در خطبهٔ کتاب، محل و شرف کتاب خویش یاد کردست و فواید آن بازنموده و ترتیبی که دادست و تصرّفی که اندر مسائل آن علم کردست همه حکایت کردست و شرح داده، اگر خادم نیز محل این کتاب یاد کند، عیب نباشد از بهر آنکه به حجم کوچکست و به معنی بزرگ و به صورت مختصرست و به کثرت فواید و شرح مشکلات مبسوط. هیچ نکته و فایدهٔ علمی ازین کتاب بیرون نیست و هیچ فرو گذاشته نیست، بلکه اندر مضایق و مواضع بحث، تصرّف‌ها کرده آمدست و به تحقیق رسانیده و کشف تمام کرده و بدین سبب این کتاب را الاعراض الطبیّة و المباحث العلائیه نام کرده شد. و دعوی خادم آن است که امروز در علم طب مختصری بدین کمال موجود نیست و دُرستی این دعوی به مطالعه معلوم گردد و به مقایسه ظاهر شود.^۳

تألیف کتابی در پزشکی به زبان فارسی در اوایل قرن ششم احساسات برخی معاصران عرب‌گرای جرجانی را برمی‌انگیزد که چرا کتاب خود (ذخیرهٔ خوارزمشاهی) را به زبان عربی تألیف نکرده؟ به بهانهٔ اینکه «مردم بیشتری از آن بهره گیرند». جرجانی در روزگار پیری ذخیره را ترجمه می‌کند؛ اما هیچ‌گاه این متن ترجمه شده، اهمّیت اصل فارسی را نمی‌یابد.

دکتر حسن تاج بخش از دل‌بستگان و شیفتگان زبان فارسی است و به گمانم جدای

از علاقه وافر ایشان به مباحث تاریخ تمدن به ویژه پزشکی و دامپزشکی، بیشترین وجهه همت ایشان برای تصحیح الاغراض علاقه به زبان پیراسته و استوار این متن علمی است، به همین سبب در مقدمه کتاب فهرستی از واژگان فارسی الاغراض را با معنی و شماره صفحه تهیه کرده‌اند که سادگی، استواری و رسایی زبان مردم آن روزگار را چون مُشتی از خروار می‌نمایاند:

آب ناک: آمیخته با آب / اندر میان: بینابین / اشک بی‌مراد: گریه بی‌اختیار / بیهشانه گفتن: پرت و پلا گفتن / بار ناگرفتن: آستن نشدن / دَمادَمَا: نفس نفس زدن / دراز آهنگ: طولانی / راستاراست: برابر / سُرفیدن: سرفه کردن / سرپوشیدگان: زنان / نیمانیم: نیمی از هریک / ناپروورده: نابالغ / و...

در الاغراض واژگانی فارسی یافت می‌شود که برای بررسی تغییرات آوایی زبان بسیار مهم است. جرجانی به تفاوت نام داروها در شهرهای مختلف اشاره کرده است که گونه‌گونی گویش‌ها و لهجه‌ها را در اواسط قرن ششم به خوبی نشان می‌دهد.^۴

الاغراض بر پایه پنج نسخه خطی کهن و پراهمیت تصحیح شده است: ۱. نسخه کتابخانه حراچی اوغلو ترکیه ۲. نسخه کتابخانه مدرسه سپهسالار ۳. نسخه کتابخانه مسجد ایاصوفیه، ترکیه ۴. نسخه کتابخانه دانشکده پزشکی دانشگاه تهران ۵. نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، که پیش‌تر در سال ۱۳۴۵ شمسی به صورت چاپ عکسی در سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ ایران منتشر شده است.

مصحح محترم برای یافتن شرح حال جرجانی منابع فراوانی را می‌کاود و بیشترین تکیه‌اش بر تألیفات خود جرجانی و متون تاریخی همزمان اوست. وی از روی برخی از قراین، تاریخ‌های دقیقی از زندگانی جرجانی به دست می‌دهد.^۵ جرجانی در ۴۳۴ ه. ق متولد شده و در ۵۳۱ ه. ق بعد از عمری طولانی و پرپرکت در مرو وفات کرده است. به احتمال بسیار، آنگونه که مصحح با مدارک فراوان تحقیق کرده است، سید اسماعیل جرجانی سید حسینی علوی است.^۶

آنچه دکتر تاج بخش با کوشش فراوان از لابلای متون یافته و تجزیه و تحلیل کرده است برای دیگران که بعد از این درباره جرجانی خواهند نوشت و خواهند پژوهید، منبع و مرجعی مطمئن و موثق است.

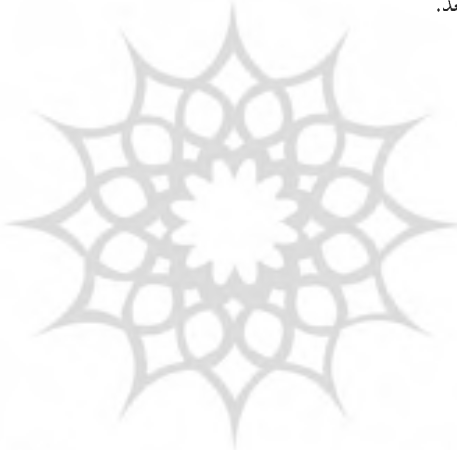
وقتی در الاغراض، اشارات جرجانی به بیماری‌های مشترک انسان و حیوان و مباحث دامپزشکی، سرطان، زیان داروی بسیار و مانند آن را می‌خوانیم، باز هم اقرار

خواهیم کرد که عناصری ما را با گذشته پیوند می‌دهد. پس از مطالعه این کتاب ارجمند، به عظمت کار جرجانی بیشتر پی خواهیم برد و با مصحح توانمند این کتاب هم آواز می‌شویم که:

روزگاری دراز باید و صبری بسیار تا باز قرن‌ها سپری گردد و مام ایران از نو دُرَدانه فرزندی همچون سید اسماعیل جرجانی بزاید، آنگاه مگر خامه او کتابی چون ذخیره خوارزمشاهی یا الاغراض الطیبه بنگارد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. لغت نامه، ص ۲۱۵۴، به نقل از مقدمه الاغراض، ص پنجاه و هفت.
۲. همان، مقدمه، ص پنجاه و شش.
۳. همان، صص ۲-۳.
۴. همان، مقدمه، ص سی و دو به بعد.
۵. مقدمه، ص چهل و شش، پنجاه.
۶. مقدمه، پنجاه و سه به بعد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی